

سرمقاله

وصال روحانی
روزنامه نگارحطی خودخواسته
دستیاران ایرانی
برای «کی روش»

انتخاب مجدد مارکار آقاجانین به عنوان دستیار اول ایرانی کارلوس کی روش این سؤال را به ذهن می آورد که آیا فرد دیگری برای این پست در دسترس نیست و چرا قرعه دائماً به نام او می خورد.

ابتدا باید تأکید کرد که این پرسش به معنای زیر سؤال بردن آقاجانین نیست و همچنین باید متذکر شد که دلیل رویکرد مجدد به وی برای پر کردن این پست، طبعاً سلیقه شخصی و پای فشردن دوباره سرمربی پرتغالی تیم ملی بر چنین گزینشی است. فدراسیون فوتبال هم در دفاع از چنین گزینشی این استدلال را دارد که گزینه اول برای این پست جواد نکونام بوده اما چون او کم محلی کرده و نیامده، چاره‌ای جز رویکرد دوباره به مارکار باقی نمانده است. آقاجانین آدمی واقف به شرایط فوتبال ما و سر بر آورده از بطن آن است و در زمانی قابل توجه از مقطع اول و ۸ ساله زمامداری کی روش در تیم ملی ایران هم به عنوان یکی از دستیاران اصلی این مربی ۶۹ ساله پرتغالی انجام وظیفه می کرد. منتها مشکل اینجا است که چه قبل از آن مقطع و چه در فاصله زمانی سه سال و نیمه بین دو مرتبه فرمانروایی کی روش، آقاجانین در هیچ یک از رده‌های دیگر ملی و حتی در تیم‌های باشگاهی کوچک و معمولی ما هم به بازی گرفته نشد و پست و مسئولیتی به وی واگذار نشد. اگر آقاجانین آن قدر خوب است که می‌تواند کمک‌مربی اول ایرانی تیم ملی و دستیار ارشد وطنی کی روش باشد چرا هیچ تیم دیگری این نگرش را قبول ندارد و از او استفاده نمی‌کند و چنانچه وی اصلاً در این سطوح نیست و حتی تیم‌های باشگاهی ما او را بی‌کفایت می‌دانند، چگونه است که کی روش در او مهارت و صلاحیتی در حد دستیار خودش می‌بیند و او را صاحب رتبه لازم برای احراز پست کمک‌مربی تیم ملی یعنی بالاترین تیم مملکت می‌داند.

اولین برداشتی که هر ناظر خارجی و غیر آگاه از شرایط فوتبال ایران از موضوع فوق می‌کند، لایه این است که نوعی حطی در زمینه مربیان جامعه ورزشی ما وجود دارد و به این نتیجه خواهد رسید که شمار مربیان صالح و واجد شرایط در فوتبال ایران به قدری کم است که چاره‌ای جز رویکرد دائمی به یک مربی واحد نمی‌ماند. واقعیت امر اما برای هر یک از افراد با عمق استعدادها در بین مربیان کشورمان البته چیز دیگری است و آنها بهتر از هر کسی می‌دانند که رویکرد دائمی کی روش به یک چهره برای دستیار اش برخاسته از این رویکرد است که وی نه یک دستیار کاملاً مستقل و صاحب ایده‌های مجزا بلکه فردی را می‌خواهد که کاملاً تحت اوامر وی و مجری خواسته‌های او باشد و همیشه مثل یک دستیار مطیع عمل کند. نه مشاوره نظریه پرداز و مستقل که بتواند ایده‌ای را به او بدهد که کار وی را تسهیل کند. این امر بیشتر برای مارکار مصداق و عینیت دارد تا مربیان دیگری که شاید میزان دانش مربیگری و کارایی‌های حرفه‌ای شان بیشتر از مارکار باشد اما تابع محض کسی نیستند و تمایل ندارند که فقط تیم خود باشند و مسئولیت‌های بیشتر و مهمتری را می‌طلبند. با این حال بین کسانی هم که مانند مارکار حاضرند یک دستیار صرف و فاقد اختیار عمل باشند، مربیانی را داریم که از وی توانا تر و صاحب فنون و هنرهای بالاتری هستند.

بواقع همین وجه دوم یعنی در دسترس بودن «کم مربیان» بهتر و عدم استفاده از آنها است که مسأله را تا تأسف اورتور و رویکرد مجدد به آقاجانین را بحث برانگیزتر می‌کند و کار تیم ملی را در میدان بعدی دشوارتر می‌سازد.

سوژه

سعید زاهدیان

روزنامه نگار

ابتدای فصل بسیاری از بازیکنان ایرانی برای رسیدن به فهرست نهایی تیم ملی تصمیمات متفاوتی اتخاذ کردند؛ گروهی از لژیونرها به لیگ ایران بازگشتند. سیاست آنها برای تغییر لیگ، قرار گرفتن در کانون توجه بود. آنهایی که استقلال و پرسپولیس



کارلوس کی روش

لغو نشست خبری!

کارلوس کی روش سرمربی تیم ملی نشست خبری خود را لغو کرد. در حالی که قرار بود کارلوس کی روش از ساعت ۱۳:۳۰ دیروز طی یک نشست خبری پاسخگوی خبرنگاران باشد و لیست تیم ملی برای جام جهانی را اعلام کند اما پس از حدود ۴۰ دقیقه تأخیر این کنفرانس خبری از سوی سرمربی تیم ملی کنسل شد.



امیرعلی صادقی

اولین دعوت شده بعد از جام جهانی!

کارلوس کی روش تأکید دارد امیرعلی صادقی یکی از استعداد های فوتبال ایران است که اگر بدرستی پرورش پیدا کند قطعاً توانایی حضور در جام جهانی را هم خواهد داشت، بدون شک با توجه به نگاه کی روش به امیرعلی، حتماً سرمربی استقلال نیز در آینده از وجود او بیشتر استفاده می‌کند. حتی شنبه‌ایم اگر کارلوس پس از جام جهانی نیز سرمربی ایران باقی بماند، امیرعلی صادقی یکی از بازیکنانی خواهد بود که در مسابقات تدارکاتی فصل بهار تیم ملی به صورت جدی مدنظر قرار خواهد گرفت.



استفانی فرابار

سوپررایز فیفا برای اولین بار در تاریخ جام جهانی

فیفا ۳ داور بانوی تاریخ‌ساز در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را معرفی کرد. فیفا برای اولین بار در تاریخ مسابقات جام جهانی از داوران بانوان استفاده می‌کند. در همین رابطه ۳ داور بانوی تاریخ‌ساز در جام جهانی معرفی شدند. طبق اعلام فیفا استفانی فرابار فرانسوی، یوشیما یاماشیتا ژاپنی و سلیمه موکانسانگای رواندایی ۳ داور بانوی مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر هستند.

«کی روش» هرگز پرتجربه‌ها را فراموش نمی‌کند

آینده ۲۰ درصدی جوانترها در تیم ملی!



ZOOM

خبر از ریسک‌های
افراطی نیست

این نمونه‌های خاص (جلالی، فلاح و حسین حسینی) قطعاً شناس جدی حضور در جام ملت‌های آسیا را هم خواهند داشت اما این تصور که تیم اعزامی ایران به این جام سرشار از این‌گونه جوانان و مظهر خون تازه و نماد نشاط چشمگیر در تیم ملی ایران خواهند بود، تفسیری بیش از حد خوشبینانه است. تجربه به ما می‌گوید سرمربی یوزها یک بار دیگر با اتخاذ همان سیاست‌های مبتنی بر احتیاط و استحکام خود و با پرهیز از هر گونه ریسک افراطی تیمی را به جام ملت‌ها خواهد برد که حداقل ۸۰ درصد نفراتش بازیکنانی امتحان پس داده در بالاترین سطح فوتبال آسیا و جهان و بسیار پخته و باتجربه باشند و ۲۰ درصد دیگر را هم جوانانی تشکیل بدهند که نام و وصف شان را آورده‌یم و با حضور در «قطر ۲۰۲۳» تجربه لازم برای حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ را خواهند اندوخت. بله آینده فوتبال این کشور در دست این جوانترها است اما تا آنجا که به سلیقه و دیدگاه کی روش مربوط و از آن منتج می‌شود، فقط یک آینده حداکثر ۲۰ درصدی!

وصال روحانی

روزنامه نگار

در مورد آینده روشن جوان‌ترهای حاضر در اردوهای اخیر تیم ملی فوتبال حرف‌های امیدوار کننده زیادی بر زبان‌ها جاری شده ولی باید پرسید این آینده دقیقاً چیست و چه زمانی شکل می‌گیرد. کارلوس کی روش که سردسته تجدیدکنندگان از این بازیکنان جوان بوده، گفته است شماری قابل توجه از آنها آینده فوتبال این مملکت را می‌سازند و با این که این تعریف برای تعدادی محدود از این نفرات صدق می‌کند اما قطعاً شماری از آنها در ادامه روند رشد و حضورشان در میدان به سطحی نخواهند رسید که کی روش و خود آنها بدان می‌اندیشیده‌اند. این قانون نانوشته و یک حقیقت بیرحمانه در فوتبال است که همواره شماری از امیدسازان این ورزش در هر کشوری باوجود تلاش فراوان و صرف وقت

زیاد به سطوح مورد نظر نرسیده‌اند و به آرامی و گاه بسرعت از پروسه راهیابی به تیم ملی و درخشش در مسابقات آن خارج شده‌اند. بسیار بعید است روند و فرجام فوق در انتظار شماری از افرادی هم نباشد که به کمپ‌های تمرینی اخیر ملی پوشان در تهران دعوت شدند و در آنجا به فعالیت و تمرین پرداختند و هر چه داشتند رو کردند با این امید که کی روش آنها را نه برای آینده بلکه برای همین جام جهانی پیش رو (۲۰۲۲ قطر) دعوت و نام آنها را در فهرست نهایی‌اش ثبت کند. اتفاقی که طبعاً برای اکثر آنها روی نداد.

پیامدهای کمال طلبی مطلق

سامان فلاح مدافع وسط باشگاه پیکان تهران یکی از ارشدترین نفرات در میان جوانان حاضر در اردوهای اخیر تیم ملی ایران بود و آینده او نه تنها در دیدارهای ملی بعد از جام جهانی بیست و دوم تضمین شده نشان می‌دهد بلکه کم مانده بود که کی روش او را برای حضور در همین جام نیز به دوحه

ببرد و اگر این کار را نکرد، به این سبب بود که تعداد افراد لایق برای راهیابی به ترکیب تیم اعزامی، انتخاب افرادی بیشتر از چهار یا پنج نفر را برای پست مدافع وسط مقدور نمی‌ساخت و باید به یک سقف و انتخاب حداکثری برای این نقطه از میدان روی آورده و بر این اساس انتخاب نفر و نیرو می‌شد و همین کار هم صورت گرفت. با این حال شماری دیگر از دعوت شده‌ها به کمپ‌های تمرینی اخیر تیم ملی طبعاً آینده‌ای برابر و همسو با فلاح نخواهند داشت و حتی اگر هدف کی روش از ستایش آنها آماده‌سازی روحی و مهیا کردن ذهن آنان برای حضور در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ باشد، از حالا به هیچ روی مشخص نیست که این افراد در اردوهای ملی ماندنی‌اند یا خیر و آیا پنج شش ماه بعد در مدار فکری سرمربی پرتغالی یوزها همین وضعیت را خواهند داشت که هم اکنون از آن برخوردارند. بواقع آینده را هیچکس ندیده است اما با کمال‌طلبی‌ای که در کی روش سراغ

از دیروز تا امروز

سرمربی پرتغالی و ۶۹ ساله یوزها تیم ملی در دوره نخست زمامداری البته چه در دوره نخست هم برد و آنچه در دیدارهای تدارکاتی برابر تیم‌های معروف و باکلاسی مانند اروگوئه و سنگال نیز به بازی گرفت.

توجهی از آنان را به اردوها و تمرینات خود فراخوانده و بعد از پرورش و ارتقای سطح بازی آنان شماری از آنها را در دیدارهای رسمی و مهم هم به کار گرفته و به میادین بزرگ فوتبال جهان برده و فرصت خودنمایی را به آنها ارزانی داشته است. نمونه‌های ارشد در این زمینه، وحید امیری، سیدمجید حسینی، محمد انصاری، مرضی پورعلی‌کنجی، کمال کامیابی‌نیا، علی کریمی، امید نورافکن، روزبه چشمی، میلاد سرلک و میلاد محمدی در مقطع نخست کار او و سیدحسین حسینی، مهدی مهدی‌پور، یاسین سلمانی، محمد خدابنده‌لو، اللهیار صیادمنش، صالح حمدانی، عارف آقاسی، سعید صادقی و ابوالفضل جلالی در مقطع فعلی بوده‌اند. جلالی همان پیستون چپ جوان استقلال است که کی روش او را حتی به اردوی تمرینی چندی پیش تیم ملی در خاک اتریش هم برد و آنچه در دیدارهای تدارکاتی برابر تیم‌های معروف و باکلاسی مانند اروگوئه و سنگال نیز به بازی گرفت.

هرگز نتوانست جایگاه ویژه‌ای در تیم ملی پیدا کند. شهاب زاهدی از ابتدا موقعیت پیدا کرد در تیم ملی نداشت اما محمد نادری که از ۴ سال قبل مورد توجه کی روش بود، امسال نتوانست با عملکرد خود در لیگ ترکیه سرمربی تیم ملی را متقاعد سازد. او را باید در زمره بازیکنان بزرگی قرار داد که بعد از جدایی از استقلال و پرسپولیس، هر روز از کانون توجهات و از همه مهم‌تر فهرست تیم ملی دور شد. در کنار این نفرات، رایان تفضلی

نهایی تیم ملی مشخص هستند. در میان بازیکنانی که از اروپا به ایران آمدند تا شاید جام جهانی ۲۰۱۸ به تغییر نسل رو آورده بود، و مهدی قایدی ناکام بودند اما بیرانوند و نیازمند که هر دو دروازه‌بان هستند، وضعیت بهتری نسبت به دوران حضور در لیگ‌های اروپایی پیدا کردند. اما وقتی به فهرست بازیکنان شاغل در خارج نگاه می‌کنیم، علی علیپور که با هدف رسیدن به تیم ملی و قدم گذاشتن در راه طرمی به لیگ پرتغال رفت

سرمربی تیم ملی و آمدن کی روش، بسیاری از معادلات را برهم زد. کی روش که در جام جهانی ۲۰۱۸ به تغییر نسل رو آورده بود، تیم ثابت و مشخصی در ذهن داشت؛ البته او در مینی کمپ‌ها و اردوهای آماده‌سازی و بازی‌های دوستانه از بازیکنانی که در دوران اسکوچیج به تیم ملی رسیده بودند هم تست گرفت تا در نهایت فهرست خود را نهایی کرد. اگرچه کی روش دیروز اسامی ۲۶ مسافر قطر را اعلام نکرد، اما تقریباً بازیکنان

در انتخاب کردند، تصور می‌کردند که بازی در دو تیم بزرگ و حمایت هواداران در کنار توجه بیشتر رسانه‌ها در نهایت به نفع شان تمام می‌شود و با این تغییر راه ساده‌تری برای قرار گرفتن در فهرست نهایی تیم ملی دارند. از سوی دیگر تعدادی از لژیونرها با تغییر تیم در خارج با سیاست بازی بیشتر، تصور می‌کردند که سرمربی تیم ملی به دلیل حضور در لیگ‌های اروپایی، آنها را به بازیکنان شاغل در داخل ترجیح می‌دهد. اما تغییر

سوژه

سعید زاهدیان

روزنامه نگار

ابتدای فصل بسیاری از بازیکنان ایرانی برای رسیدن به فهرست نهایی تیم ملی تصمیمات متفاوتی اتخاذ کردند؛ گروهی از لژیونرها به لیگ ایران بازگشتند. سیاست آنها برای تغییر لیگ، قرار گرفتن در کانون توجه بود. آنهایی که استقلال و پرسپولیس